

Decline	کاهش - نپذیرفتن
Recline	تکیه کردن - لمیدن
Cancel	انصراف
inspired	الهام شده
encouraged	تشویق کردن
scalded	سوزاندن
departed	رفته - مرده
unearth	حفاری کردن
Abide	رعایت کردن
Abate	کم شدن
consent	رضایت
Vein	رگ
provision	تدارک
Obstacle	مانع
expedition	سفر
Crew	سرنشینان - خدمه
Contagious	واگیر - ناقل
Sympathetic	همدرد - سمپاتیک
Forbidding	عبوس - ترسناک
Ruthless	ظالم
Gloom	تاریکی - غم
Devastate	ویران - خراب
Preserve	محافظت کردن - نگاه داشتن
Plunge	غوطه ور شدن
Drench	خیساندن - اب دادن
Stomach	میل - معده - تحمل کردن
Bullet	گلوله - تفنگ
organ	اندام
Inessential	غیر ضروری
Witnesses	شواهد

Municipal	شهرداری - وابسته شهری
Fierce	خشمگین - وحشی
rainstorms	باران طوفانی
Benign	بی خطر
Massive	غول آسا
Shrill	روشن - جیغ کشیدن
Avid	حریص - مشتاق
Belligerent	شورشی - جنگجو
Benevolent	خیراندیش
Resourceful	چاره ساز - کاردان
serve	جداسازی
Transparent	شفاف
deceiving	فریب دادن
Reliable	قابل اطمینان - پایا
Defective	معیوب
Sensation	ادارک
Bulky	حجیم - سنگین
Realistic	واقع گرایانه
Weird	غریب - خارق العاده
Sociable	جامعه پذیر
Prior	اولی - قبلی
Industrious	کوشا - سخت کوش
Solitary	تنها - مجرد
Chiefly	مخصوصا - بطور عمده
Bizarre	شگفت آور
Decisive	قاطع - سرنوشت ساز

Clarify	صاف شدن - روشن شدن
conflicting	مخالف
Underestimate	دست کم گرفتن
pursued	تعقیب کردن
glanced	نگاه اجمالی
fulfilled	تکمیل کردن
examined	معاینه کردن
Mankind	نوع بشر
REWARD	پاداش
Perish	هلاک شدن - نابود شدن
among	در میان
Thieves-thief	دزد
seemed	به نظر آمدن - مناسب بودن
Disguise	استتار - پوشش
Baffle	گمراه کننده
Refine	اصلاح کردن - پاک شدن
lament	تاسف خوردن
permit	اجازه دادن
Enthusiasm	اشتیاق
exempted	معاف کردن
quenched	خاموش کردن
matured	مدت دار - سر رسید
Signified	مدلول
reception	پذیرش
depiction	نمایش
Rehabilitation	توانبخشی
Despite	با وجود اینکه - اهانت
Destroy	تخریب - نابودی
Ventilate	تهویه هوا
Amend	اصلاح
Retain	ابقا کردن - نگهداشتن

Abundance	وفور و فراوانی
Famine	قحطی
Ambush	پناهگاه - دام
vocation	شغل و حرفه
TREATMENT	رفتار - طرز عمل
cancer	سرطان
Affluent	سرشار
Benevolent	خیر اندیش - نیکخواه
Vulnerable	آسیب پذیر
Infection	ابتلا - تاثیر
Vicious	نادرست
quite	کامل - سراسر
sure	مطمئن
consent	رضایت و موافقت
Appoint	منسوب کردن
Pierce	سوراخ کردن - نفوذ کردن
Respond	پاسخ دادن
Impolite	بی ادب
Remarks	ملاحظه - تذکر - بیان
contends	ستیزه کردن - جنگیدن
includes	در بر داشتن - شامل بودن
consists	مرکب بودن از - شامل بودن
contains	محتوی بودن - در بر داشتن
regarded	وابسته بودن
Thought	اندیشه - گمان - افکار
meant	میانه - مشترک
supposed	فرضی - فرض شده
pretended	غیر واقعی
avoided	اجتناب کردن - دوری کردن
permitted	مجاز - قانونی
Allowed	مجاز
Remarks	اظهار نظر - ملاحظه

Obvious	مشهود - بدیهی
Autograph	دستخط نوشتن
Reluctant	بی میل
Valid	معتبر - قانونی
Weird	خارق العاده - غریب
Charity	خیریه
Cattle	گاو
Lying	دروغگویی
pathways	معبّر - جاده - گذرگاه
arose	لشگر
Subsided	نشست کردن - فرو رفتن
abided	ایستادن - ماندن
blundered	اشتباه کردن
Exempt	معاف - آزاد - بخشوده
habits	عادت - لباس - رفتار
earlier	قبلا
FATAL	کشنده - مهلک
Impolite	بی ادب
Offensive	تهاجم
Aggressive	سلطه جو - مهاجم
Temperate	میانہ رو
preceded	گذشته
emphasized	اهمیت دادن
announced	آگاهی دادن - اخطار دادن
pretended	غیر واقعی
Attract	جذب کردن - جلب کردن
homebuyers	خانگی - پرورش خانگی
pioneers	پیشقدم
commuters	تبدیل کردن
sellers	فروشنندگان
Comrade	رفیق - همراه

rent	اجاره کردن
Fertile	بارور - برومند
idle	بیکار و تنبل
Lunatic	دیوانه و مجنون
Spontaneous	خودانگیز - خود به خود
drastic	موثر - قوی
properly	شایسته - صحیح - درست
Picked	نوک نیز - خار دار
Iron	آهن پوش
Redeem	رہایی دادن - رها شدن
Scorch	سوختگی - سوختن
Sympathize	همدردی - هم فکری
Completely	کاملا
Exhausted	خسته - تحلیل رفته
extinguished	خاموش
depicted	نمایش دادن
promoted	ترفیع دادن
cliffs	دیواره - تخته سنگ - صخره
Multitude	جمعیت کثیر - بسیاری
Torment	عذاب - شکنجه
culprits	متهم - انسان خطاکار
Opposition	تناقض - دشمنی - مخالفت
parties	بخش - جناح
mumbled	زیر لب سخن گفتن
Illustrate	شرح دادن - روشن ساختن
prosecuted	دنبال کردن - پیگیری بودن
United	متحد شدن
Placement	مکان یابی
Promise	قول دادن
commencement	آغاز - جشن فارغ التحصیلی
Confinement	توقیف - زندان بودن
Ignorance	جهل - نادانی - بی خبری

Conformity	همنشینی - هم‌رنگی با جماعت		
pedestrians	پیاده - بی روح	Lawn	چمن
Opponent	رقیب - طرف دعوی	endured	تحمل - بردباری
Fiction	افسانه - خیال - وهم	drenched	خیس شدن
wagers	شرط بندی کننده	dwindled	کاهش یافتن - تحلیل رفتن
Trouble	آزار و اذیت - رنج	abided	ساکن شدن - ایستادگی
Sporadic	دوره ای - انفرادی	occasion	لزوم - سبب موقعیت
Irrelevant	نامربوط	hope	انتظار داشتن
Cursory	با سرعت و بی دقت	learnability	یاد گرفتن
Precocious	زودرس - باهوش	altitude	ارتفاع و بلندی
Workhouse	کارخانه - کارگاه - نوانخانه	Perilous	مخاطره آمیز
capable	باهوش - توانا - استعداد	Dense	فشرده
posthumous	متولد شده	enormous	بزرگ و عظیم
Indigent	تهیدست	vanished	ناپدید شدن
Accused	متهم	predicted	پیش بینی شده
Communist	کمونیست - مردم گرا	debated	بحث و مناظره
Reputation	شهرت	assembled	ملاقات کردن - جمع شدن
Slander	تهمت زدن	destruction	نابودی - انقراض
Riot	اغتشاش - آشوب	habitat	محل سکونت
Dimension	ابعاد - اندازه - بعد	pretension	تظاهر و ادعا
Vacant	بیکار - تهی	disapproval	عدم رضایت
Accustomed	معتاد	Victory	پیروزی
Ludicrous	مضحک - خنده اور	achievement	موفقیت - به دست آوردن
Benevolent	کریم - خیراندیش	lie	قرار گرفتن - خوابیدن
Carry	انتقال	cotton	نخی
Wallet	کیف جیبی	factories	کارخانه - مرکز تولید
Belligerent	آشوب گر - متخاصم	Subside	فرو نشستن
Legible	خوانا و روشن	chiefly	بطور عمده
Deliberate	دانسته - عمدی - تعمدی	Rave	دیوانگی - جنجال
Affluent	سرشار - فراوان - دولتمند	abide	ایستادگی کردن - منتظر ماندن
Across	در میان	apart	جدا - مجزا
		abolish	منسوخ شدن - از میان برداشتن
		linger	تاخیر کردن - دیر کردن

qualify	شایستگی پیدا کردن	waterslide	کنار آب - تیغه آب
Jeopardize	به خطر انداختن	Gleam	نور ضعیف
Probe	تحقیق	obedient	فرمانبردار - مطیع
redeem	از رهن درآوردن - رهایی دادن	unanimous	هم رای
assignment	ماموریت دادن	matter	موضوع - ماهیت - اهمیت داشتن
careless	بی دقت	lament	تاسف خوردن - سوگواری
vandals	خرابکاری	destination	مقصد
floods	طغیان کردن - طوفان	destination	سفرنامه - برنامه سفر
morsels	مقدار کم - لقمه کوچک	Generosity	بخشش - سخاوت
bachelors	لیسانسه - مجرد	grief	غم و اندوه
highest	فراز - بلند مرتبه	attorney	وکیل
Math	حساب - ریاضی	Prisoner	زندانی - اسیر
ignored	حذف کردن - نادیده گرفتن	incriminate	متهم کردن
Unified	متحد و یکپارچه	expedite	سرعت بخشیدن
Vacillate	تردید داشتن	spirit	روح
revealed	آشکار کردن	accomplishments	کمالات - معلومات
Illustrate	شرح دادن - توضیح دادن	older	پیر - سالخورده - کهنه
Reach	دسترسی - استطاعت	pupil	مردمک چشم - دانش آموز
disinherit	محروم کردن	emulate	تقلید کردن
Dwindle	بطور تدریجی کاهش یافتن	gesticulate	اشاره کردن با سر و دست
disease	ناخوشی - بیماری	ignite	آتش زدن - شعله ور
deprived	محروم کردن	consent	موافقت
lost	گم شده - ضایع شده	attend	انتظار کشیدن - صبر کردن
confined	محدود کردن	Duties	حقوق
became	شد - آمد - درخور	fugitive	فراری و پناهنده
leather	چرمی	density	تراکم - غلظت - چگالی
deck	عرشه	calamity	مصیبت و فاجعه
upholstery	مبل - اثاث - پرده	toil	رنج بردن و زحمت کشیدن
gorgeous	نمایش دار - با جلوه	such	این چنین - از قبیل - این طور
voicing	صدا در آوردن	disaster	فاجعه - بدبختی
		daze	گیج کردن - خیرگی
		Culprit	متهم

Advised	مصلحت آمیز - خردمندانه		
wasp	زنبور	looking	نما - به نظر
protect	محافظت کردن	manipulating	دستکاری
above	بالا - برتر - بالای سر	detecting	شناسایی و کشف
Elevated	بلند مرتبه	cheered	خوشی - شادی کردن
increased	افزودن و ترفیع دادن	announced	خبر دادن - آگاهی یافتن
invaded	تهاجم - حمله کردن	shouted	جیغ کشیدن
during	در مدت = در جریان	embraced	در آغوش کشیدن
insist	اصرار و پافشاری	buried	به خاک سپردن
discard	رد کردن - رها کردن	Slander	تهمت زدن - افترا
imprisoned	محبوس کردن - زندان کردن	violent	جابرانه - سر سخرانه
amending	اصلاح کردن	furtive	مخفی - پنهانی
indicating	تعیین کننده	dust	گردگیری - غبار
enduring	با دوام - پر طاقت	clouds	توده انبوه - ابری
betraying	خیانت کردن - فاش کردن	galaxy	راه شیری - کهکشان
protested	اعتراض کردن - شکایت	Cancer	سرطان
confined	بستری - محدود شده	inherited	ارثی - ژنتیکی
avoided	اجتناب کردن - دوری کردن	trenches	چال - گودال - استحکامات
transmitted	مخابره کردن - فرستادن	indifference	بی تفاوتی - بی علاقه گی
endured	تحمل کردن - با دوام	defect	ناهنجاری - عیب - خطا
legible	خوانا و روشن	Remarks	اظهار عقیده - توجه - بیان
Idle	تنبل و بیکار	stopped	ایستادن - توقف کردن
Vital	حیاتی	stepped	پله دار
Contagious	مسری - واگیر دار	Notice	تذکر
fate	وضعیت - سرنوشت - تقدیر	preoccupied	پریشان - گرفتار
departures	مرگ - حرکت - عزیمت	violent	سخت گیرانه - شدید
appearances	ظاهر - نمایش - پیدایش	benign	بی خطر - خوش خیم
preservation	مهار کننده فساد	affluent	ریزنده - سرشار
coincidences	تصادف - اتفاق	Bizarre	شکفت اور
capable	صلاحیت دار - شایسته	benevolent	خیراندیش - نیکوکار
lubricating	لیز کردن - نرم کردن	avid	مشتاق و حریص
		identical	برابر
		heterogeneous	ناهمگن - نامتجانس

impeccable	بی عیب		
fallacious	سفسطه آمیز - غلط	eradicated	ریشه کن شدن
poverty	تنگدستی - فقر	presumed	فرض کردن
unemployment	بیکاری	competed	رقابت کردن
elimination	حذف - دفع	Christendom	عالم مسیحیت
ease	راحتی - استراحت	Tendency	گرایش - زمینه علاقه
contribute	همکاری کردن - شرکت کردن	menace	تهدید
gesticulate	با سرو دست اشاره کردن - فهماندن	experienced	با تجربه - کارآزموده
imitate	پیروی کردن - تقلید کردن	Crafty	حیله گر - با مهارت
exacerbate	شدیدتر کردن - بدتر کردن	fragile	شکننده - نازک
greatly	بسیار زیاد - شرافتمندانه	probability	احتمال
imbibe	نوشیدن - خیساندن - جذب کردن	battle	نبرد - جنگ
expedite	سرعت بخشیدن - تسهیل کردن	escaped	فرار کردن - گریختن
mediate	میانجی - میانه	Precede	مقدم بودن - جلو بودن
abandon	ترک کردن	Devour	بلعیدن - فرو بردن
plausible	محتمل - باور کردنی	Perish	مردن - هلاک شدن
Tense	سخت - ناراحت - تنیده	Corrupt	تحریف شدن
sporadic	دوره ای - گاه و بیگاه	Detest	تنفر داشتن
posthumous	منتشر شده پس از مرگ	Persuade	ترغیب شدن
quench	فرونشاندن - سرد کردن	devise	شعار - ارز - پول
eliminate	حذف کردن	linger	مردد بودن - تردید داشتن
procrastinate	معوق گذراندن	quickly	به سرعت - تند
contrary	مخالفت کردن	raise	بالا بردن
rural	روستایی	shrink	کوچک شدن
Vicinity	در نزدیکی - حومه	Remain	باقی ماندن - اقامت
neglect	غفلت	announced	آگاهی دادن - خبر دادن
effort	تلاش	subsequent	متوالی
prominence	برتری	comparative	نسبی - مقایسه ای
fortunately	خوشبختانه	previous	پیشین - اسبق
hit	موفقیت - ضربه	preceding	پیشین - قبلی
consumed	مصرف شدن - از پا در آمدن - تحلیل	held	نگاه داشته شده
		sang	خون
		soothe	آرام کردن - تسکین دادن

refrain	نگاه داشتن - برگردان		
excite	تحریک کردن	Anticipation	پیش بینی
crying	آشکار - مبرم	Apprehension	بیم - هراس - دستگیری
Woke up	بیدار شدن	Vacuum	فضای خالی - ظرف خالی - خلاء
nightmare	کابوس	Tube	لامپ - لوله تیوپ
ANGRY	دردناک - خشمناک - رنجیده	proximity	نزدیکی و مجاورت
inaugurate	آغاز کردن - افتتاح کردن	Fell	قطع کردن - سنگدن - مهیب
resign	دست کشیدن - تسلیم شدن	surrounding	احاطه شده - مجاور - دور گیرنده
Suspend	به تعویق انداختن	Tidal	جذر و مدی - کشندی
taught	آموخته	temperate	معتدل و ملایم
pursue	تعقیب کردن - دنبال کردن	Prime	برجسته - عمده - اولین - مهمترین
fortify	محکم سازی - سنگر بندی	Minister	کمک کردن - خدمت کردن - وزیر
Cease	قطع کردن - دست کشیدن	intervention	مداخله - دخالت - نفوذ
regulate	تنظیم کننده - تعدیل کردن	coincidence	انطباق و برخورد
Successive	متوالی - پشت سر هم	Amenity	سازگاری
anticipatory	منتظر	famine	قحطی
contrary	مخالف و مغایر	fired	پخته شده
prior	اولین - قبلی - پیشین	Corrupt	فاسد - معیوب - تحریف شده
nearly	تقریبا	Prevail	شایع شدن - مسلط
tremendous	چشمگیر - عجیب	fabricate	جعل کردن - درست کردن
Per Capita	سرانه - درآمد سرانه	indifferent	بی اثر - بی تفاوت - بی طرف
adequate	مناسب و شایسته	Ambiguous	مبهم
compensation	جبران - سازگاری و انطباق	enduring	پر طاقت - با تحمل
exploitation	استفاده از موقعیت - بهره کشی	phantom	شیخ - خیالی - فانتوم
Integrity	یکپارچگی - درستی - اتحاد	Perhaps	شاید - ممکن است
assertion	ادعا - بیانیه - اعلامیه	Emergence	حتمی - ظهور - اورژانسی
deal	معامله - داد و ستد	proportion	نسبت و تناسب
jailed	حبس کردن	high	افزایش - عظیم - بزرگ
homicide	قتل - آدم کشی	tormented	رنج کشیدن
privacy	خلوت و تنهایی و پوشیدگی	Reckless	بی اعتنا - بی پروا - بی رویه
		discernible	قابل تشخیص
		demonstrate	نمایش دادن - دلیل آوردن
		interpret	توجیح و تفسیر

beckon	اشاره با سر و دست		
droplet	قطره - قطره بارانی	Arguably	بصورت مشکوک - تقریبی
tiny	کوچک	proficiently	استادانه - ماهرانه
clouds	ابر - توده ابرومه	constantly	بدون تغییر - با ثبات
Degrade	پایین آمدن	mere	خالی - تنها - فقط
collide	برخورد کردن	plenty	فراوانی - بسیاری
hang	چسبیدن و آویختن	raised	برجسته و برآمده
coincide	همزمان بودن	blended	ترکیب - مخلوط
crashing	سقوط - در هم شکستن	deceived	فریب دادن
louder	صدای بلند - مشهور	Actualize	واقعیت دادن و عملی کردن
particularly	مخصوصا	invasion	تهاجم
primarily	اصولا	spread	انتشار و نشر
steadily	یک نواخت پیوسته	regulation	قوانین و مقررات
sequentially	مداوم - پی در پی	previous	پیشین و قبلی
pack	فشرده سازی	proportionately	به تناسب
Transmit	عبور دادن - فرستادن	popularly	عوام پسند
Submit	ارائه کردن - تثبیت کردن	irrigation	آبیاری
adequate	مناسب - صلاحیت دار	fertilization	باروری
proper	درست و مقتضی	drought	خشکسالی
contaminated	آلوده	grazing	علف زار - چراگاه
brief	خلاصه کردن - پرونده کردن	comes	آمدن - رسیدن
marginal	حاشیه - لبه - مرز	violation	خطا - تجاوز
solitary	تنها - مجرد	rest	استراحت
session	جلسه - دوره	shatter	شکستن - خرد کردن
Engaged	کاندیدا - نامزد	halt	ایستادن
evolved	گشادن - باز شدن - استخراج کردن	intersection	تقاطع - چهارراه - اشتراک
commenced	شروع کردن - آغاز کردن	Withdraw	پس گرفتن - باز گرفتن - سر باز زدن
evaded	طفره رفتن - از سر باز کردن	stun	گیج - سراسیمه
Expanded	بسط یافته - منبسط	hinder	جلوگیری کردن - ممانعت
costly	گران و پر خرج	evade	طفره رفتن - سر باز زدن
		progress	پیشرفت
		greatest	بزرگ - عظیم - طولانی
		incentive	مشوق - محرک

obligation	تعهد	Species	گونه - قسم - نوع
desire	میل داشتن - آرزو	expressions	مبین - بیان - عبارت
frustration	ناکامی	moisture	نم - رطوبت
conquer	پیروزی - فتح - غلبه کردن	rises	برخواستن
estimation	برآورد - تخمین	falls	آبشار
hold	نگهداری - جلوگیری کردن	affording	حاصل شدن - تهیه شدن
Tropical	استوایی و گرمسیری	conceive	درک کردن - حامله شدن
transition	انتقال	imposed	تحمیل شدن
preservation	محافظت - حراست	Driven	رانده شده
responded	پاسخ دادن	HEALING	معالجه - شفا
resumed	ادامه یافتن	properties	خواص
rehabilitated	توانبخشی کردن	Ingredient	عنصر سازنده
reformed	تصحیح شده - تعمیر شده	lotions	لوسیون
huge	تنومند - کلان - بزرگ	Shimmer	موج زدن - نور لرزان
fabric	کالبد - تولید	soak	خیساندن
panels	تابلو - صفحه	sunburn	آفتاب سوختگی - آفتاب زدگی
sunlight	تابش آفتاب	insect	حشره
Celestial	آسمانی - فلکی	Larval	نوزاد حشره
stained	زنگ زدگی - آلودگی	take over	بدست آوردن - تحویل گرفتن - تصاحب
simply	سادگی	undergo	تحمل کردن - دستخوش چیزی شدن
Incapable	عاجز و نالایق	survive	زنده ماندن - سپری کردن زندگی
continuing	مداوم	illegal	غیر قانونی
inspired	الهام شده	thrive	پیشرفت کردن - رونق دادن
tempted	فریفتن - اغوا شدن - وسوسه شدن	adore	ستودن - عاشق شدن
ensured	متقاعد ساختن - مطمئن ساختن	envy	غبطه و حسادت
Arguably	تقریبی - نا مطمئن	detest	نفرت داشتن - بیزار بودن
vigorously	با قوت و شدید	myriad	بیشمار
ironically	با طعنه و کنایه	manner	حالت و وضعیت
unwillingly	با بی میلی	magnitude	دامنه - تعداد - شدت
Artifacts	محصول مصنوعی	amazing	شگفت انگیز
		granted	بخشیدن و موافقت کردن
		donated	بخشیدن

endowed	صاحب مال و ثروت
Forgiven	بخشیدن - عفو کردن
risen	برخاسته - طلوع کرده
reluctance	بی میلی - مخالفت
Wishful	طالب - مشتاق
enthusiasm	اشتیاق فراوان
subsequent	متوالی - پی در پی
incredible	باور نکردنی - افسانه ای
additional	اضافی
curse	بلا و مصیبت
cure	درمان - شفا - دارو
Disease	بیماری
earthworms	کرم خاکی
fragile	شکننده و لطیف
Forbidden	ممنوع
daily	روزانه
Newly	بتازگی - اخیرا
imprinted	مهر زدن - نشانیدن
retrieve	بازیابی کردن
merge	ادغام کردن
Induce	القاء کردن - مجبور کردن
evidence	معلوم کردن
Speculation	سفته بازی
Interrogation	بازپرسی
documentation	مستند سازی
prosecution	پیگرد و تعقیب
rarely	به ندرت
Species	گونه - نوع
verge	در حاشیه - جاده - محدوده
destruction	نابودی - ویرانی
collapse	فروپاشی - متلاشی

extinction	انقراض
reproduction	بازتولید - تکثیر - تولید مثل
foster	پروردن - غذا دادن
overcome	غلبه کردن
bewilder	سر درگم کردن - گیج کردن
diet	جیره غذایی
regular	قانونی - منظم
withdraws	پس گرفتن و باز گرفتن
pursues	تعقیب کردن - دنبال کردن
brave	شجاع - نترس
pervert	منحرف
Explode	منفجر شدن
Absorb	جذب
confront	مواجهه شدن - روبرو شدن
neglected	ظرفه رفتن - غفلت کردن
denouncing	علیه کسی صحبت کردن - انتقاد
HIRING	استخدام کردن - اجیر کردن
composition	ترکیب - انشاء
pleasure	لذت
Weird	عجیب و غریب
Reluctant	بی میل - ناراضی
cures	دوا - درمان
suppose	تصور کردن
incurable	نا علاج - درمان ناپذیر
consented	رضایت و موافقت
preserve	نگه داشتن - نگهداری
torrent	سیلاب
Molest	مزاحم شدن
unforeseen	پیش بینی نشده
Arise	پدید آمدن - برخاستن